





asia news sir

## جمع بستن در شاهنامه: قاعده و استثنا

۱۴۰۳/۰۴/۱۳ - ۱۰:۳۸

شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی، نه تنها از منظر فرهنگی شناسنامه هویت ملی ماست، بلکه از جهت زبان و ادبیات هم، مهم‌ترین مرجع زبان پارسی است و بزرگترین افتخار من این است که به‌عنوان شاگرد کوچک دبستان فردوسی بزرگ و ریزه‌خوار خوان فرهنگ دانای توس فردوسی فرزانه و به تعبیر ملاصدرا فردوسی قدوسی، نه تنها به بازنویسی و بازسازی شاهنامه فردوسی در شاهنامه امین به‌عنوان نظیره امروزی آن اثر بی‌نظیر و ورجاوند و بی‌مانند موفق شده‌ام، بلکه با نگارش و سرایش مطالب مهم دیگری که در شاهنامه فردوسی نیست، تکمله‌ای بر آن افزوده‌ام.

آسیانیوز - قاعده عام در زبان فارسی در جمع بستن این است که چیزهای غیرجاندار مثل بشقاب و قاشق و چنگال و یا در و پنجره و خانه و آپارتمان را با «ها» جمع ببندیم و موجودات جاندار را با «ان» مثل مردمان، ایرانیان، نویسندگان یا جانوران جمع می‌بندیم. برای مثال، فردوسی می‌فرماید: «نیامد همین بانگ شهزادگان/ مگر کشته شد شاه آزادگان» یا: «گاو و خرن باربردار/ به ز آدمیان مردم آزار» (سعدی) یا: «جان گرگان و سگان از هم جداست/ متحد جان‌های شیران خداست» (مولانا)

اساس این قاعده جمع بستن قابل انکار نیست، اما فردوسی در شاهنامه و دیگر ارکان ادب از گذشته‌های دور گرفته تا امروز، در آثار خود گاهی از این اصل به‌طور استثنا تجاوز کرده‌اند و مثلاً فردوسی سال را که بیجان است، با «ان» جمع بسته و گفته است که: «اگر عمر باشد مرا سالیان» و نیما به پیروی از زبان محاوره آدم را که جاندار است، با «ها» جمع بسته و گفته است:

«آی آدم‌ها که در ساحل نشسته، شاد و خندانید.» من هم در شاهنامه امین کوه‌های ایران را با «ان» جمع بسته و گفته‌ام:

چنان عاشق مرز ایران شدم/ که دلبسته رشته کوهان شدم

چو دیدم بلندای البرز کوه/ دلم پر کشید از صعود و شکوه

ستیع دماوند آتش فشان/ سوی آسمان رفته دامن کشان

دنا چون علم کوه، باشد بلند/ س ب لان، زمین را کشیده به بند

بود زاگرس، رشته کوهی دراز/ که ایران زمین است از آن سرفراز

شاهنامه امین، نظیره و تکمله شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی است. این ابیات مشتمل بر واژه «کوهان» در مجلد یکم از مجلدات هفتگانه شاهنامه امین سروده من، آمده است. در کامنت‌های اینستاگرام خود به نشانی Prof h amin دیدم که یکی از استادان محترم ادبیات، به کاربرد تعبیر «رشته کوهان» در بیت نخستین از این بخش از شاهنامه امین، بر من اشکال کرده و ایراد گرفته‌اند و با نوعی کم توجهی و عدم سعه صدر نوشته‌اند که «کوهان» فقط به کوهان شتر!! ناظر است.

اکنون برای آن‌که فایده پاسخ من به این منتقد علاقه‌مند، به دیگران هم برسد و از مجادله یا وسعت تحقیر و تکذیب در امان ماند، به تحریر این یادداشت می‌پردازم تا حاصل زحمت نگارش این سطور، فایده‌ای اعم و عاید‌ای اتم داشته باشد.

به طور عام عرض می‌کنم که در ادب پارسی به‌ویژه متنی حماسی چون شاهنامه امین، به کار بردن نشانه «ان» برای جمع بستن غیرجانداران بی‌اشکال است. دلایل و شواهد این قول هم، بسیار است و من در اینجا به ارایه سه دلیل و شاهد اکتفا می‌کنم:

۱. به‌طور خاص، از باب استناد به اشباه و نظائر، در ذکر اعلام جغرافیایی، موارد زیادی است که رود و کوه و دشت و روستا با «ان» جمع بسته شده است. نزدیکترین و شبیه‌ترین این اشباه و نظایر، واژه مرکب «میان رودان» برای بین‌النهرین (میان دو رود) است. اگر ایراد دستور زبانی و گرامری این منتقد عزیز که نوشته‌اند: رشته کوهان غلط است و فقط رشته کوه‌ها درست است، ملاک باشد، پس واژه مرکب گوشنواز، جا افتاده و مقبول «میان رودان» هم باید از زبان معیار حذف شود! و هیچ گویشوری این تحمیل را بر نخواهد تافت. پس به قیاس صحیح بودن «رودان» در «میان رودان»، «رشته کوهان» در شاهنامه امین هم صحیح است.

۲. به‌طور عام، نشانه برای جمع بستن اشیاء بی‌جان «ها» (مثل میزها، نیمکت‌ها و صندلی‌ها) و برای جانداران «ان» (مثل چارپایان، گاوان و خران) است، اما در موارد بسیار در زبان پارسی به‌ویژه در ادب منظوم از این قاعده کلی، عدول شده و می‌شود. برای مثال، «دست» و «انگشت» که جمع گرامری آن‌ها، «دست‌ها» و «پاها» و «انگشت‌ها» است، در بسیاری از متون نثر و نظم به «دستان» و «انگشتان» جمع بسته شده است. اما به عکس، جانداران همه جا با «ان» جمع بسته نمی‌شود و مثلاً، ما می‌گوییم «گورخرها»، «خرگوش‌ها»، «دلفین‌ها»، «دایناسورها» و... که هیچ ابدانی آن‌ها را غلط نمی‌شمارد. حتی جمع مخاطب انسانی در واژه «شما»، نوعاً به «شماها» و نه «شمایان» جمع بسته می‌شود. نیز نام «آدم» که اگر نه ابوالبشر و اشرف مخلوقات، اما حداقل صد البته جاندار است، چه در محاوره گویشوران و چه در ادبیات مکتوب همچون شعر نیما با «ها» جمع بسته شده است: «آی آدم‌ها که در ساحل نشسته شاد و خندانید، یک نفر در آب دارد می‌سپارد جان»

۳. ترکیب «رشته کوه‌ها» در قالب وزن عروضی شاهنامه نمی‌گنجد و حماسی هم نیست. بنابراین از مجازات شاعری است که سراینده در شاهنامه امین به اجتهاد و ابتکار خود، «رشته کوه» را در اینجا به جای «ها» با «ان» جمع ببندد.

این دو بیتی منسوب به باباطاهر عریان همدانی مؤید استعمال «کوهان» است:

مو آن باز سپیدم همدانی / لانه در کوه دارم سایبانی

به بال خود پرم کوهان به کوهان / به چنگ خود کرم نخجیربانی

رشیدالدین میبیدی هم گفته است:

مگر آن کوه، اختر را محک بود / که گفتی کوه کوهان فلک بود

فخرالدین اسعد گرگانی هم در ویس و رامین گفته است:

بیابان را چو نافه در نوشتی / چنان کرکس ز کوهان برگذشتی

شواهد دیگر بسیار به نظر رسید، به همین کوتاه سخن اختصار و بلکه اقتضار شد. نتیجه آن که بر این بیت شاهنامه امین اشکالی وارد نیست:

چنان عاشق مرز ایران شدم / که دلبسته رشته کوهان شدم

امید که این یادداشت پاسخی گویا و برای خوانندگان سودمند باشد.

کلیه حقوق متعلق به آسیانیوز ایران می باشد.